

تأثیر هجوم مغولان بر مفهوم و ساختار شهر ایرانی در روزگار ایلخانان

دکتر محمدحسن خادم‌زاده*، مهندس شهاب‌الدین تصدیقی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

تهاجم مغولان تخریب سازمان‌یافته بسیاری از شهرهای کشور را در پی داشت. سکونت گسترده کوچ‌نشینان مغول در کنار فروپاشی نظام اداری و اقتصادی سابق، باعث افول ساختار شبکه و حیات شهری در آن شد. هدف پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که کمرنگ شدن شهرنشینی در ابتدای این دوره و زایش مجدد آن در ادامه، چه تأثیراتی بر مفهوم و ساختار شهر نسبت به پیش از آن گذاشت؟ بدین منظور ابتدا با روش تفسیری تاریخی، ضمن بازخوانی متون تاریخی برجای‌مانده از آن دوره و تحلیل‌های پژوهشگران امروزی، احوال این عصر بررسی شده، سپس با استفاده از روش استدلال منطقی، نمونه‌های شهرسازی، ویژگی‌های شهری و تفاوت‌هایشان با دوران پیشامغولی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. با آشفتگی‌های زمانه ایلخانان و ویرانی شهرها و پهنه‌های زیستی اطرافشان، روابط سابق درون‌شهری و بیرون‌شهری و مفاهیم «شهر»، «شهرستان» و «ریض» تغییرات زیادی کرد و در مواردی ساختار جدیدی از شهرها که بعضاً لایه‌لایه و چندهسته‌ای هستند پدید آمد.

واژه‌های کلیدی

هجوم مغول، ساختار شهر^۱، دوره ایلخانی، مفهوم شهر، پیشامغولی

* استادیار، گروه مرمت و مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران. (مسئول مکاتبات)

Email: Khademzade@ut.ac.ir

Email: Sh_Tasdiqi@arch.iust.ac.ir

** دانشجوی دکترای معماری، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

مقدمه

هجوم مغول و سیطره ایلخانان، برهه‌ای پرتنش از تاریخ ایران محسوب می‌شود و اغلب تواریخ باقی‌مانده از این دوران اذعان به وقوع فجایع انسانی عظیم و ویرانی‌هایی گسترده دارند (زیباکلام، ۱۳۸۶، ۱۶۶). شهرهای زیادی تخریب و بسیاری دیگر دچار رکود و فرسایش اقتصادی می‌شوند. با کاهش جمعیت و تغییر شیوه زیستی غالب کشاورزی، به کوچ‌نشینی، در کنار بیگانگی حاکمان مغول با مقوله شهر، شاهد دوره‌ای از فترت در شهرسازی هستیم (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ۱۱). پس از دوره اولیه با تغییر نگرش مغولان و متعاقباً اصلاحات غازان‌خان، موج جدیدی از آبادانی و شهرسازی شروع می‌شود.

وجود انواع متون تاریخ‌نگاران و اسناد دولتی و رسمی از این دوران بررسی تحولات آن را برای مورخان معاصر سهل‌تر می‌کند. هدف پژوهش، بررسی تحول مفهوم و ساختار شهر ایرانی و اجزای آن (همچون ربض و شهرستان)، طی این دوره بعد از یک دوره نسبتاً پر قدرت شهرنشینی (دوره سلجوقی و خوارزمشاهی) است. برای نیل به این هدف پاسخگویی به این سؤالات ضروری است، افول شهرنشینی در ابتدای دوره حکومت ایلخانان و زایش مجدد در اواسط و انتهای آن، چه تأثیراتی بر مفهوم شهر در ایران گذاشت؟ ساختار شهر ایرانی که متشکل از کهنده، شارسن و ربض بود، با حوادث این دوره نسبت به پیش از آنچه تغییری کرد؟ برای پاسخگویی به این سؤالات در ابتدا مفهوم و ساختار شهر در دوران پیش از ورود مغولان به ایران بررسی شده، سپس به بازخوانی تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دوران مغول در ایران پرداخته می‌شود و با بررسی نمونه‌های شهرسازی دوران ایلخانی - به‌طور ویژه «تبریز» و «ربع رشیدی» - از درون متون و اسناد نوشتاری آن زمان، مفاهیم شهری، همچون «شهرستان» و «ربض» مورد مطالعه قرار گرفته و مفهوم و ساختار شهری این بخش از تاریخ ایران تا حد ممکن تبیین می‌گردد. برای انجام این کار ابتدا با به‌کارگیری روش تفسیری تاریخی با استفاده از تکنیک‌های گردآوری اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای، متون و اسناد مربوط، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و سپس با استفاده از روش استدلال منطقی و مقایسه تطبیقی، دو قلمرو زمانی پیشامغولی و ایلخانی باهم مقایسه شده و نتایج مربوطه جمع‌بندی می‌شود.

پیشینه پژوهش

کتاب «شهرهای ساسانی» (۱۳۹۳) مهر آفرین، مفهوم و ساختار شهرها را در دوره ساسانی شرح داده و تبار شهر را در این دوره به‌عنوان خاستگاه تعداد زیادی از شهرهای ایران دنبال کرده است. راوندی در کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» (۱۳۵۶ و ۱۳۶۴) اشارات

مفید و البته پراکنده‌ای در رابطه با مفهوم و ساختار شهر و جریان‌های اجتماعی و سیاسی دوران اسلامی پیش از مغول و پس از آن، دارد. بررسی‌های موردی همچون پژوهش گاو به^۲ در مورد بخارا (۱۳۸۶) و یا احمدی‌منش در مورد همدان (۱۳۹۰) برای فهم و تفسیر بهتر این اشارات ضروری می‌نماید. مقاله «بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهر قدیم گرگان در دوران اسلامی» (تقوی ۱۳۸۹) به دلیل بررسی‌های اجتماعی یک نمونه خاص و از سوی دیگر، نقل متون تاریخی مرتبط با ساختار شهر سلجوقی، درخور توجه است.

حبیبی در کتاب «از شار تا شهر» (۱۳۹۳) سعی می‌کند سخنان پراکنده بسیاری از این منابع و متون دست‌اول را در رابطه با تاریخ سیما و مفهوم شهر مدون سازد. علاوه بر این‌ها مقالاتی همچون «تأملاتی در مقوله شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه تاریخ ایران» (۱۳۸۴) از یوسفی‌فر برای تبیین مفهوم شهر و شهرنشینی این دوره نوشته شده‌اند، البته رویکرد اکثر این مقالات در قبال ساختار و مفهوم شهر با رویکرد کتاب «از شار تا شهر» شبیه است. اکثر این منابع شهر ایرانی را تا پیش از دوره مغول نسبتاً دقیق بررسی کرده، ولی چندان به تبیین ساختار و مفهوم شهر دوره مغول نپرداخته‌اند، چراکه این دوره را به‌مثابه دوران ویرانی شهرها، احتمالاً فاقد اهمیت بررسی از بُعد ساختار شهری دانسته‌اند.

برای بررسی اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران مغول، متون فراوانی از مورخین و دبیران این دوران همچون حمدالله مستوفی (۱۳۸۱)، و صاف‌الحضره (۱۳۴۶)، عطاملک جوینی (۱۳۸۷) در دست است که بسیاری از مورخان معاصر نیز به تحلیل این آثار پرداخته‌اند؛ تاریخ مغول (۱۳۸۷) اثر اقبال آشتیانی کار درخوری در زمینه سیاسی به انجام رسانیده است. کتاب «کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» (۱۳۵۷) نوشته پطروشفسکی^۳ حائز اهمیت زیادی از بُعد اجتماعی و اقتصادی هست. عدالت در مقاله «فرضیه فاجعه‌زدگی» (۱۳۸۹) به ابعاد اجتماعی هجوم مغول و حکومت‌های قبل و بعد از آن پرداخته و زیباکلام در کتاب «ما چگونه ما شدیم» (۱۳۸۶) به تأثیر مغول بر اقتصاد و کالبد توجه کرده است.

درباره معماری و مجموعه‌های شهری دوره مغول منابع قابل توجهی تألیف شده‌اند، آثار خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر غازان‌خان، به روش‌ها و رویکردها در شهرسازی این دوره اشاراتی دارد (۱۳۵۶)؛ و بعدتر تواریخ دیگری چون تاریخ گزیده^۴، تاریخ و صاف^۵ یا روضه‌الصفاء^۶ به شرح آثار معماری این دوره پرداخته‌اند. محققین معاصر همچون احمد سعیدنیا (۱۳۸۱) یا شیلابلر (۱۳۸۷) برای بازآفرینی کالبدی شهرهای این دوره همچون ربع رشیدی کوشیده‌اند. کتاب «بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون» (۱۳۹۰) توسط کی‌نژاد و

مفهوم و سافتار شهر پیشامغولی

مفهوم شهر پیشامغولی

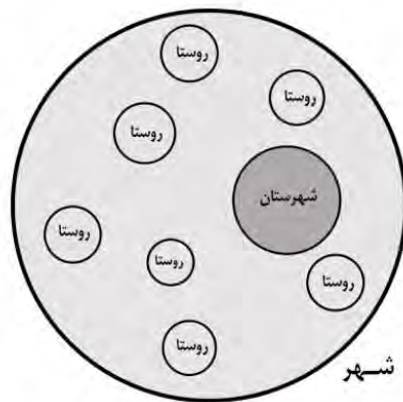
واژه شار و شارستان ریشه از واژه شهر دارند و واژه شهر به نوبه خود از واژگانی چون «تشر»، «خستر»، یا «خشی» می‌آید، که به معنی شاهی کردن هستند (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۸). در آغاز دوره ساسانی، تهاجمات اردشیر به مناطق کرمان و حاشیه خلیج فارس از سوی امپراتوری پارت و اکنشی دربر نداشت، ولی تأسیس شهر از سوی او، برای امپراتوری پارت به منزله اعلان جنگ تلقی شد (مهر آفرین، ۱۳۹۳، ۲۴ به نقل از طبری، ۱۳۸۴). یکی از دلایل پیدایش شهرهای نوین پارت در دوران ساسانی، همین کارکرد سیاسی شهر بود؛ شهرهای ساسانی، به منزله حضور یک سازمان سیاسی به نام حکومت یا دولت بودند که نقش سازمان‌دهی و اداره جامعه و قوانین آن را بر عهده داشتند (همان، ۶۴ به نقل از کیانی، ۱۳۷۰). این امر نشانگر آن است که در پاره‌ای موارد واژه «شهر» در ایران، به مفهومی سیاسی (و نه لزوماً کالبدی) است.

در بُعد کالبدی نیز، شهر در ایران ساسانی صورتی وسیع‌تر از امروز داشت و برای محدوده‌ای به بزرگی کشور، استان یا ایالت به کار می‌رفت؛ در طی زمان است که واژه شهر به تدریج به جغرافیایی کوچک‌تر از آن دلالت می‌کند (مهر آفرین، ۱۳۹۳، ۶۷). معنای غالب لغت «شهر» در فارسی میانه «ایالت» بوده و این «شهرستان» است که معنای شهر به معنای امروزی آن -خاصه شهر بزرگ و کرسی ایالت- را می‌داد (شکل ۱). «شهرستان» لزوماً به معنای مرکز ایالت نبوده است و شامل شهرهای کوچک‌تر دارای حصار و قصبات هم می‌شده است (قائم‌مقامی، ۱۳۹۰).

این امر پس از ورود اسلام نیز ادامه دارد؛ حضور قدرت در شهر، در دوران سلاجقه نیز تثبیت می‌گردد. در این دوره است که فتوادل‌ها و ملاکین روستاها، به جای قلعه‌های متعلق به خود در روستاهایشان در شهرها ساکن شدند (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ۳۶). شهرهایی چون مرو تا پیش از هجوم مغول، گستره‌ای وسیع شامل پاره‌های متعدد زیستی کنار یکدیگر بوده‌اند (مهر آفرین، ۱۳۹۳، ۱۲۲). ری نیز طبق نوشتار مقدسی شهری به طول و عرض یک‌فرسنگ (و به عقیده بعضی دیگر از جغرافیون عرب ۲ فرسنگ) بوده است (کریمی، ۱۳۲۸). مرکز ایالت گرگان، شهر «شهرستان» بوده که در حقیقت بخشی از شهر نیز محسوب می‌شده است (تقوی، ۱۳۸۹ به نقل از ابن فقیه، ۱۳۴۹). این شهر (جرجان) پس از شهرهای ری و عراق جامع‌ترین شهر ذکر شده است (تقوی، ۱۳۸۹ به نقل از ابن حوقل، ۱۳۶۶). همه این موارد و سایر اسناد موجود می‌تواند موجب تقویت این فرض شود که مفهوم شهر در آن روزگار نه فقط به یک مجتمع زیستی عظیم و متمرکز

بلالی اسکویی تلاشی برای جمع‌بندی این پژوهش‌ها و بازآفرینی شهرهای ایلخانی، به‌ویژه ربع‌رشیدی است. مقالات مروری «تاریخچه شنب‌غازان» (۱۳۲۸) به قلم حسین نخجوانی و «جایگاه ربع رشیدی در تاریخ و تمدن ایران» (۱۳۸۹) به قلم حسین اسماعیلی سنگری، «تحلیلی بر بازتاب اصلاحات غازی در روند بازسازی مراکز شهری ایران» (۱۳۸۳) به قلم فریدون الله‌یاری، بیشتر به موضوع سیما و مفهوم شهر دوران ایلخانی پرداخته‌اند. آجورلو در مقاله تحلیلی «رهیافتی تاریخی به شهرسازی و مجموعه‌های معماری تبریز عهد ایلخانی» (۱۳۹۲) به ارائه الگویی می‌پردازد که مجموعه‌سازی‌های اطراف تبریز را در چهارچوب توسعه یک کلان‌شهر ایلخانی تبیین کند. از سوی دیگر، کریمیان و مهدی‌زاده در مقاله «نقش وقف در توسعه کالبدی شهرهای ایلخانی؛ نمونه موردی: تبریز، سلطانیه و اوجان» (۱۳۹۳) و محمدمراد و جعفرپور در مقاله «بررسی روند توسعه شهری طی شهرسازی ایلخانی با تحلیلی بر توسعه شهری تبریز» (۱۳۹۲) به سیر تکوین شهرسازی مغولان، از ویران‌سازی شهرهای خراسان تا مجموعه‌سازی و ساختن شهرک‌های سلطنتی می‌پردازند و مفاهیمی چون «شهر-مرتع» و «شهر-واحه» را پیش می‌کشند.

پاره‌ای از پژوهشگران همچون حبیبی (۱۳۹۳) و یوسفی‌فر (۱۳۸۵) شهر سده‌های میانه ایران را متشکل از سه جزء ربض، شارستان و کهنده دانسته‌اند که تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی، روی نحوه جای‌گیری اقلشار اجتماعی در این سه بخش تأثیر می‌گذاشت. برخی دیگر همچون احمدی‌منش (۱۳۹۰) و تقوی (۱۳۸۹) پراکندگی کالبدی محلات و دهات را در این پهنه‌های شهری موردبررسی قرار داده‌اند. پژوهش‌های مرتبط با دوران مغول در ایران، به بررسی ابعاد اجتماعی فاجعه بسیار پرداخته و البته به افول شهرنشینی در این دوره نیز اشاره کرده‌اند؛ اما به روند تغییر ساختار موجود، بلاموضوع شدن مفاهیم شهرستان و ربض و همچنین به تأثیر این هجوم بر نیروهای اجتماعی ساکن در شهرها، محلات و دهات، توجهی نشده است. از طرفی در هیچ‌کدام مقایسه‌ای بین مفهوم و ساختار شهر در دوره ایلخانی با دوره پیش از هجوم مغول به چشم نمی‌خورد در حالی که این قیاس برای علت‌شناسی سیر تاریخ شهر در ایران اهمیت دارد. به همین سبب، در این پژوهش تلاش می‌شود به مصادیق اجزاء شهری و بررسی کالبدی آنها در مصادیق ایلخانی و پسامغول پرداخته شود. تبیین این تغییر و تحولات در چهارچوب تحولات اجتماعی و نسبت شهر با قدرت و نظام اداری صورت می‌گیرد. همچنین با توجه به فقدان مدل‌سازی‌های کالبدی - جز در نمونه محدود ربع رشیدی - تلاش می‌شود الگوهایی بصری از این ساختارهای شهری ارائه شود.



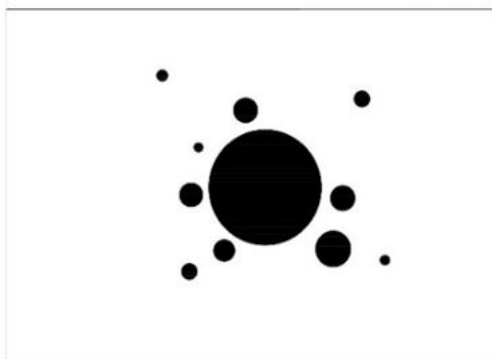
شکل ۱. رابطه شهر و شهرستان و روستا در پیشامغول

زیستی مرتبط و نزدیک به هم که بخشی از آن حول کهنده‌ز به‌عنوان شارسستان و محل قدرت شکل گرفته است (شکل ۲). به‌عنوان مثال ساختار بخارای سده چهارم هجری با استناد به نوشتار نرشتی در «تاریخ بخارا»، توده‌ای درهم‌آمیخته از ساختمان‌ها و باغات و محلات مسکونی است که بارویی (دور از باور) به ابعاد حدوداً ۷۰ کیلومتر در ۷۰ کیلومتر آن را احاطه می‌کرده است (گابوه، ۱۳۸۶، ۹۲). این امر نشان‌گر حضور یک مجموعه زیستی وسیع در این ناحیه به نام «بخارا» بود، چه طبق تاریخ بخارا شهر دیگری را هم محافظت نمی‌کرد (نرسخی، ۱۳۶۲، ۴۷). افشنه که از مضافات بخارا بوده خود شارسستان و حصار داشت (قائم‌مقامی، ۱۳۹۰). از ۲۲ رستاقی که اصطخری برای بخارا ذکر می‌کند، ۱۵ رستاق درون حصار ریش بودند و فاصله میان دیوار شارسستان و دیوار ریش، گاه به بیش از ده فرسخ می‌رسیده است؛ بنابراین ریش شهرهای بزرگ مثل بخارا و بلخ و سمرقند که حصار علی‌حده‌ای هم به دور آن بود، وسعت قابل توجهی داشت (قائم‌مقامی، ۱۳۹۰).

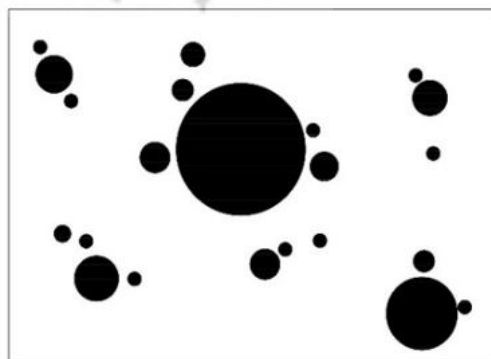
که در بسیاری موارد به یک مجمع‌الجزایر وسیع زیستی نیز اطلاق می‌شده است.

ساختار شهر پیشامغولی

برخلاف شهرهای اروپایی که جدایی شهر و روستا در آن به‌خوبی مشهود بود، در ایران کارکرد زراعی در شهر و کارکرد پیشه‌ووری در روستا نیز وجود داشت و بخش بزرگی از جمعیت شهری شامل کشاورزان می‌شد و دیوارهای شهر در بسیاری موارد، مزارع را احاطه می‌کرد (فکوهی، ۱۳۸۳، ۳۳۷، به نقل از اشرف، ۱۳۵۳). برخلاف اروپا، زمین‌داران ایرانی، بخصوص پس از ظهور سلاجقه در شهر زندگی می‌کردند و بسیاری موارد سرمایه خود را در اختیار تجار قرار می‌دادند تا در امور تجاری مشارکت داشته باشند (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ۳۶). در این دوره با شهری مواجه هستیم که برخلاف شهر اروپایی آن زمان، در برابر جهان پیرامون، نه در موضع دفاع که در موضع مالکیت آن قرار دارد. شهر در این دوره عبارت است از مجموعه‌ای از نقاط



تعریف رایج شهر و روستاهای اطرافش



مجمع‌الجزایر یک شهر پیشامغولی

شکل ۲. قیاس شهر پیشامغولی با شهر در مفهوم رایج آن

برای فهم چگونگی این مجمع‌الجزایر، باید به‌درستی ساختار «رض» و «شهرستان» که دو جزء اصلی شهر بودند درک شود. به لحاظ واژه‌شناسی «پرور» یا «رض» به نواحی اطراف شهرها می‌گفتند که هر دو به‌صورت تحت‌الحفظی به معنای آغل و پرچین بودند (قائم‌مقامی، ۱۳۹۰). رض یا سواد، شامل روستاها و سکونتگاه‌های کشاورزان و گاه پیشه‌وران بود که پس از مدتی به شکل بخش توسعه‌یافته‌ی شارستان درآمد (تقوی، ۱۳۸۹ به نقل از فریور صدی، ۱۳۸۰). رض البته نه شامل همه روستاها می‌شد و نه فقط منحصر به روستاها بود، در پاره‌ای موارد بازارها و سکونتگاه بازرگانان و کسبه و پیشه‌وران در رض استقرار داشت. به‌عنوان مثال در نیشابور قرن چهارم هجری، حیات شهر کاملاً به رض منتقل شده بود (قائم‌مقامی، ۱۳۹۰ به نقل از بارتولد، ۱۳۵۸). در قرن پنجم اهالی شهر ری هم قلعه و هم شهرستان را ترک کرده و مانند سایر مراکز تجاری و صنعتی در قسمت رض که بازارهای متعدد داشت مستقر شدند (کریمی، ۱۳۲۸). از این رو در مواردی به تدریج رض‌ها برای خود شهرهای تمام‌عیار می‌شدند (قائم‌مقامی، ۱۳۹۰ به نقل از اشرف، ۱۳۵۳). شهر همدان در سده چهارم از کوه الوند تا دهکده «زینوآباد» امتداد داشت و صنف یا رسته بازرگانان در همین زینوآباد، رسته بازان در دیه‌ی به نام «برشیقان» و صنف «صیارف» یا اسلحه‌سازان نیز در سنجاباد بود. به‌این‌ترتیب همدان شهری پراکنده و «مداین‌گونه» بود. رض همدان تنها، منطقه کشاورزی آن نبود، بلکه برخی از کانون‌های اصلی شهری مانند بازارها و مسجد جامع در آن جای داشت. (احمدی‌منش، ۱۳۹۰) از مجموع شواهد فوق برمی‌آید که پاره‌های زیستی رض می‌توانسته‌اند بیشتر از تعدادی ده نقش بازی کنند و بسیاری از اندام‌های اصلی شهر همچون بازارها یا در موارد زیادی جامع شهر در همین رض مستقر می‌شد.

تأثیرات هجوم مغول بر شهر در ایران

جدول ۱. تعداد آبادی‌های ایلات (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ۲۰)

ولایت	روایت یاقوت (اوایل قرن ۷)	روایت حمدالله قزوینی (اواسط قرن ۸)	روایت حافظ ابرو (اوایل قرن ۹)
همدان	۶۶۰ روستا	۲۱۲ روستا	_____
روذر اور	۹۳ روستا	۷۳ روستا	_____
خواف	۲۰۰ روستا	_____	۳۰ قریه غیر از مزرعه
اسفراین	۴۵۱ روستا	۵۰ روستا	۲۶ روستا غیر از مزرعه
بیبهق	۳۲۱ روستا	۴۰ روستا	۸۴ روستا غیر از مزرعه
جوین	۱۸۹ روستا	_____	۲۹ روستا و قریه
ترشیز (بشت)	۲۲۶ روستا	_____	۲۰ روستا و غیره

سلسله خوارزمشاهی، آخرین سلسله حاکم بر ایران پیش از مغولان بود که با سیاست سرکوب و تفرقه‌توانست بر ایران حکومت کند ولی عملاً توان دفاعی ایران را ضعیف‌تر کرد (عدالت، ۱۳۸۹)، سرانجام بر اثر هجوم مغول ویرانی عظیمی در خراسان رخ داد و پس از یورش هلاکو، باقی فلات ایران نیز به دست آنان افتاده، خلافت ۵۰۰ ساله عباسی برچیده شد؛ و قریب یک قرن بر اکثر نقاط ایران حکومت کردند که موجب ویرانی کالبدی و افول اقتصادی و به محاق رفتن شهرنشینی و شهرسازی در بیشتر مناطق ایران می‌گردد. این ویرانی‌ها به انضمام سنت‌های نوظهور مغولی و اصلاحات غازان‌خان، باعث افول و سپس از نو سر برآوردن شهرسازی در ایران می‌شود که بازخوانی آنها به فهم تحول ساختار شهر در این دوره کمک می‌کند.

ویرانی کالبدی و انسانی

هجوم مغول موجب تخریب و ویرانی گسترده در خراسان شد؛ تسخیر شهرهایی چون هرات و نیشابور و مرو، تلفاتی چندمیلیونی داشته (زیباکلام، ۱۳۸۶، ۱۶۶) و به نظر نمی‌رسد چیزی از تمدن در خراسان باقی مانده بود (پطروشفسکی، ۱۳۵۷، ۱۱۳ و ۱۱۴). تا مدت‌ها اکثر نواحی خراسان به ویرانه‌هایی با پاره جمعیت‌های گرسنه و راهزن تبدیل شده بود (همان، ۱۵ و ۱۱۶ به نقل از سیفی، بی‌تا). غیر از خراسان نیز، شهرهای زیادی چون مراغه، همدان، ری، بغداد، حلب، حتی مازندران و دیگر شهرها به خرابه‌هایی تبدیل و مردمانشان قتل‌عام شدند (زیباکلام، ۱۳۸۶، ۱۶۸؛ پطروشفسکی، ۱۳۵۷، ۱۱۹). ویرانی کالبدی شهرها، در کنار از بین رفتن قدرت مرکزی و پیدایش جنگ‌های بین قبیله‌ای، از جمعیت یکجانشین کاست و آنها را با تهدید از سوی غارتگران مواجه ساخت، که باعث تخلیه روستاها و روی آوردن کشاورزان و شهرنشینان به کوچ‌نشینی شد (زیباکلام، ۱۳۸۶، ۱۶۰).

ادامه این روند به‌علاوه ساختار بوروکراتیک ناقص که دخل و خرج حکومت مغولان را به‌درستی ثبت نمی‌کرد، در کنار ولخرجی ایلخانان و فساد و ناکارایی شدید اداری (یان، ۱۳۶۶، ۷۸ و ۸۵) باعث خالی شدن خزانه دولت شد. سیاست‌های نادرستی چون چاپ اسکناس یا استقرار بلاعوض از تجار نیز ناشی از همین اوضاع بود (راوندی، ۱۳۶۴، ۲۶۱-۲۶۰). بی‌مبالاتی مالی، اخذ چندباره انواع مالیات از کشاورزان و مواردی از این‌دست، باعث زوال اقتصاد کشاورزی و کاهش تولید محصولات در روستاها شد و بسیاری از آنها به‌کلی فاقد سکنه شدند (لمتون، ۱۳۶۲، ۱۷۳) (جدول ۲). فروپاشی نظام تولید کشاورزی که اساس ساختار اقتصادی سلاجقه بود، باعث شد که نقش شهر به‌عنوان مرکز اداری نظامی و پهنه‌های کشاورزی آن از بین برود و اساساً دیگر چندان پهنه‌های وسیع کشاورزی برای مدیریت نماند. گواه این موضوع، عدم حضور بسیاری از مالکان سابق روستاها و دهات در اراضی خود است (همان، ۲۰۱).

اصلاحات غازان خان

سرانجام مغولان برای حفظ بقای سیاسی-اقتصادی خود ناچار به اتخاذ برخی سیاست‌های اصلاحی شدند که بیشتر آن در دوره غازان خان انجام شد (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ۱۶). وی بخش زیادی از اراضی اینچو^{۱۳} (خاصه) را به شاهزادگان مغول بخشید تا در احیاء اراضی یابری بکوشند (لمتون، ۱۳۶۲، ۱۷۹). روند اصلاحات غازان پس از مرگ زود هنگامش متوقف شد ولی آثار اصلاحات انجام‌شده تا قریب سه دهه پس از مرگش قابل مشاهده بود (همان، ۱۶۹). از اقدامات دیگر او نظم امور مالیاتی، الغای حواله برات و کاهش یا لغو مالیات تمغا بود (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ۲۰). نشانه‌های اثربخشی این سیاست‌ها،

چندین دهه بعد، خواجه رشیدالدین می‌نویسد در بسیاری از نواحی تنها بر یک‌دهم اراضی زراعت می‌شد و باقی بایر مانده بود (راوندی، ۱۳۵۶، ۳۲۰).

جدول ۱ نشانگر تعداد بسیار زیاد روستا و شهر نیمه ویران و متروک در بازه زمانی استیلای مغولان است. علاوه بر این کشته شدن و اسارت گسترده صنعتگران (زیباکلام، ۱۳۸۶، ۱۶۹) و پناهنده شدن تعداد زیادی از آنها که زنده ماندند به مصر و روم (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ۴۰) باعث کاهش شدید صنعتگر ماهر شده و بعضی از قسمت‌های ایران را با کمبود علوم فنی و تکنیک معماری روبرو ساخت. این امر در بی‌دقتی ساخت برخی از بناهای عظیم این دوره دید می‌شد که اکثراً به‌سرعت ویران می‌شدند (معماریان، ۱۳۹۲، ۲۲۹). نابودی بیشتر شبکه‌های شهری و تبدیلیشان به تک‌شهرهای متمرکز (حبیبی، ۱۳۹۳، ۸۲) و فروپاشی اکثر مجمع‌الجزایرهای زیستی (که مفهوم شهر را در آن دوره تشکیل می‌داد) شاید بزرگ‌ترین حاصل این رویداد گسترده باشد.

اضمحلال اقتصادی

اکثر شهرهایی هم که تسلیم مغولان شدند و از ویرانی اولیه جان به دربردند، با سیاست‌های مالی‌ای چون طرح^{۱۴}، تمغا^{۱۵}، بیگاری، برات^{۱۶} و غیره به آهستگی رو به تخریب و ویرانی نهادند. از طرف دیگر، «غلبه اقتصاد کوچک‌محور بر اقتصاد کشاورزی» آسیب فراوانی بر جای گذارد. امواج قبایل صحرانورد و دامدار، با مصرف آذوقه و محصولات کشاورزان برای احشام خود، به سقوط معیشت کشاورزان و کاهش شدید جمعیت در مناطق ایران دامن زدند (زیباکلام، ۱۳۸۶، ۱۶۱-۱۶۴). کاهش جمعیت و سطح تولید، به بحران اقتصادی منجر می‌شد و این امر در کاهش خراج و مالیات، خود را نشان داد (جدول ۲).

جدول ۲. مالیات اخذشده از ایالات (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ۲۱)

ولایت دوره ایلخانان	دیوان مالیات پیش‌ایلخانی (نزهةالقلوب)	دیوان مالیات ۷۳۶-۴۱ ه.ق	دیوان مالیات (رساله فلیکیه)
	(میلیون دینار)	(میلیون دینار)	۷۵۰ ه.ق (میلیون دینار)
عراق عرب	بیش از ۳۰	۳	۲/۵
عراق عجم	بیش از ۲۵	حدود ۲/۳	۳/۵
لر بزرگ	_____	۰/۰۹	۰/۳۲
لر کوچک	_____	۰/۰۹	۰/۲۸
آذربایجان	حدود ۲۰	۲/۱۶	_____
اران و مغان	بالغ بر ۳	۰/۳	_____
شیروان	۱	۰/۱۱۳	۰/۸۲
گرجستان و ابخاز	حدود ۱	۱/۲	۰/۴

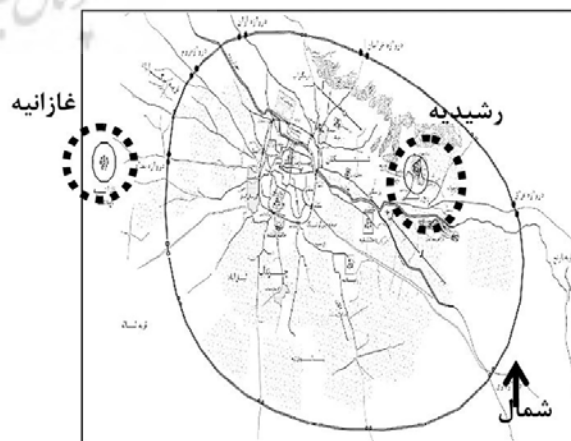
واژه‌شناسی «شهر» و مفاهیم مرتبط با آن در دوران ایلخانی معنای واژه‌های «شهر»، «شهرستان» و «ریض» در متون این دوره قابل تأمل‌اند. حمدالله مستوفی از شنب‌غازان و ربع رشیدی با عنوان «شهرچه»‌هایی نام می‌برد که ربع رشیدی داخل باروی غزانی است و دیگری بیرون آن^{۱۷} (محمدمرادی و جعفرپور، ۱۳۹۲ به نقل از حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱) (شکل ۳). انتخاب نام «شهرچه» احتمالاً به این معنی است که این مجموعه‌ها نه در تراز شهر که در ذیل یا مضافات آن قرار می‌گرفته‌اند؛ اینکه شبانکاری در «مجمع‌الانساب» محل دفن غزانی (غازانیه) را در شهر تبریز گزارش کرده است^{۱۸} (آجورلو، ۱۳۹۲ نقل از شبانکاری ۱۳۶۳) می‌توان تفسیر کرد که حدود شهر، چندان معین نبوده است و مناطق اقماری شهر که بیرون باروی آن قرار می‌گرفتند، می‌توانسته‌اند جزء شهر و یا خارج آن محسوب شوند. متن وقفنامه ربع رشیدی، واژه «شهر» را به رشیدیه اطلاق نکرد و آن را تنها برای تبریز به کاربرد، ولی این شهرک شامل تمام عناصر شاخص یک شهر پیشامغولی بوده است: ریض، شهرستان، باغ، قریه و مسجد جامع. (همدانی، ۱۳۵۶) از سوی دیگر به نظر می‌رسد در رشیدیه، ریض و شهرستان دیگر به معنای کهن خود به کار نمی‌رود. در وقفنامه صریحاً ذکر شده که در صورت پر شدن ریض، ریض‌نشینان می‌توانند در شهرستان خانه بگزینند (همدانی، ۱۳۵۶، ۱۹۱ و ۱۹۲). در توضیح این مسئله، دو فرضیه مطرح شده است: سعیدینیا شهرستان و ریض را دو مکان منفک از هم دانسته که ریض محله‌ای ویژه خانواده کارکنان ربع رشیدی و شهرستان سکونتگاه عامه مردم بوده است (سعیدینیا، ۱۳۸۱).

توسعه دفترداری ممالک است که امور آن زیر نظر دیوان استیفا به همراه بقیه امور مالی انجام می‌پذیرفت؛ ولی پس از اصلاحات، ثبت و ضبط اسناد مالی رو به افزایش نهاد و توسعه دفترخانه ممالک برای این مهم لازم دیده شد (رجب‌زاده، ۱۳۵۵، ۲۱۰).

مفهوم و سافتار شهر ایلخانی

احتمالاً نخستین اقدام شهرسازانه دوران ایلخانی، تخت سلیمان یا «سقورلوق»^{۱۴} در آذربایجان است که ساخت آن در ۶۷۴ هجری به دستور اباق‌خان شروع شد و یک دهه بعد در زمان ارغون به پایان رسید (کی‌نژاد و بلالی، ۱۳۹۰، ۱۷۱). نمونه‌های شهرسازی دیگری در ارغونیه و قنقوراولانگ^{۱۵} دیده می‌شود که اولی مقدمه شکل‌گیری غزانیه بود و دومی سلطانیه. موج اصلی اقدامات شهرسازانه ایلخانان از دوران اصلاحات غزانی شروع شد. دارالملک تبریز تحولات زیادی را به خود دید، برپا شدن حصار جدید شهر و ساخت دو شهرک وقفی اقماری «شنب‌غازان» در غرب و «رشیدیه» در شرق تبریز از جمله آنهاست که به ترتیب به دستور غزانی خان و خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر قدرتمند او بنا شدند. در درون شهر تبریز نیز مجموعه‌هایی نظیر صاحب‌آباد و عیش‌شاه به وجود آمدند. ساخت آبادی‌ها و شهرهای جدید، موضوع قابل‌بررسی دیگری است که نمونه‌های آن را در سلطانیه، اوجان و یا سلطانیه چمچمال^{۱۶} (بغداد کوچک) می‌توان دید. در اینجا تلاش می‌شود با بررسی توسعه شهری و یا ساخت‌نوشهرها از خلال متون، مفهوم و ساختار شهر در دوران ایلخانی بازایی شود.

مفهوم شهر ایلخانی



شکل ۳. حصار غزانی برگرد تبریز و موقعیت اجزای شهر تبریز در آن. (محمدمرادی و جعفرپور ۱۳۹۲)



شکل ۴. ساختار شماتیک رشیدیه

شهرهای اقماری وابسته به خود بودند و شهرهای اقماری که مشتمل بر شهرهای درجه پایین‌تر و روستاها می‌شدند و به‌خصوص در دوران سلاجقه نقش مهمی در تعریف نقش و جایگاه شهر داشته و پهنه سیاسی واداری شهر را مشخص می‌کردند (یوسفی‌فر، ۱۳۸۵)، در این دوره با اضمحلال روبرو شدند. با تخریب گسترده شهرها و نابودی دولت دیوان‌سالار مرکزی، این ساختار در هم‌ریخت و به‌جای شبکه‌هایی گسترده از شهرها و مناطق تحت اداره‌شان، با تک‌شهرهایی پراکنده مواجه هستیم که برای حفظ موجودیت خود تقلا می‌کنند. مفهوم شهر به‌عنوان تجلی قدرت سیاسی دولت به همین خاطر به محاق می‌رود (حبیبی، ۱۳۹۳، ۸۲).

نقش تجارت در دوره ایلخانی بارز است. باوجود افول اقتصادی و سیاست‌های مالی نابجا، اهمیتی که دستگاه دولتی ایلخانان به تجارت می‌داد، نقش آن را در شهرها پررنگ کرد و حتی به همین سبب در این دوره شهرهایی که نقش تجاری پررنگ‌تری در قیاس با کشاورزی و صنعتی داشته‌اند بعضاً رشد هم کردند (پتروشفسکی، ۱۳۶۶، ۳۲-۳۴). ساخت شهرک‌های اقماری اطراف تبریز را می‌توان در ارتباط با نقش تجاری و اداری این شهر نیز دید. گزینش رشیدیه در شرق تبریز می‌توانست نظارت بر چگونگی تقسیم حقه‌های رشیدیه و تبریز و حفاظت و رسیدگی تأسیسات آبرسانی که بر عهده تولید ربع‌رشیدی بود (همدانی، ۱۳۵۶، ۲۰۹) را تسهیل کند. قرارگیری غازانیه در غرب تبریز آن را به محل تخلیه کالا و امتعه تجار اروپایی تبدیل کرده بود (همدانی، ۱۳۶۲، ۹۹۶) (شکل ۵).

ساختار شهر ایلخانی

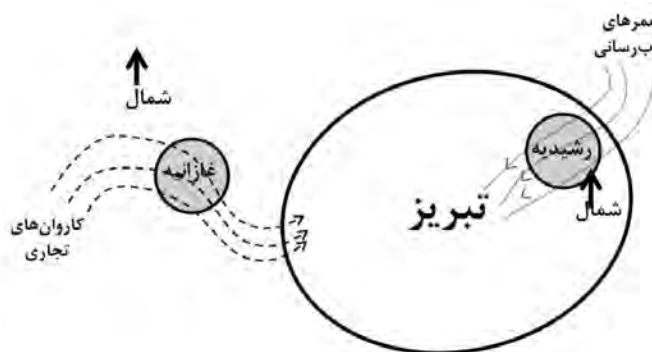
الگوی ساخت شهر در این دوره، به‌این‌ترتیب است که محوطه‌ای به‌عنوان قلعه یا قلب شهر انتخاب می‌شد و پس از ساخت‌وسازهای ایلخان و اطرافیان نزدیکش، امرا و سرداران مغول موظف به ساخت‌وساز

ولی کی‌نژاد و اسکویی معتقدند معنای ریح و شهرستان نسبت به گذشته معکوس شده و این ریح است که محله‌ای از شهرستان است (کی‌نژاد و بلالی، ۱۳۹۰، ۱۴۵ و ۲۴۴) (شکل ۴).

می‌توان احتمال داد که ریح جزئی از شهرستان، ولی محله‌ای ویژه و باعتبار خاص از آن محسوب می‌شد. این تفسیر، چند علت دارد؛ یکی این‌که وقف نامه ربع‌رشیدی، در توضیح ممرهای آبرسانی رشیدیه، ریح را ذیل شهرستان ذکر کرده که در «جانب ایسر» آن قرار دارد. (همدانی، ۱۳۵۶، ۲۱۱) دوم این‌که در این وقف نامه بعضاً از ریح با عنوان «ریح ربع‌رشیدی» یاد شده است (همان، ۲۱۱ و ۲۱۳) درحالی‌که شهرستان را به ربع نسبت نداده است؛ با توجه به یکی از معانی ریح به مفهوم «زمین‌های اطراف حصار» (قائم‌مقامی، ۱۳۹۰) احتمالاً ریح به قسمتی مسکونی در مجاورت ربع اطلاق می‌شد که نسبت به محیط پیرامونش - من جمله شهرستان - ممتاز بود. سوم آن‌که ساکنان ریح، متولی، ناظر، مشرف، سرهنگان و غلامان نظامی هستند که همگی در مدیریت مجموعه رشیدیه نقشی پررنگ دارند، درحالی‌که شهرستان و باغ‌های اطراف آن محل سکونت اقشار عادی‌تر شهرک‌اند (همدانی، ۱۳۵۶، ۱۹۳-۱۷۱). در مجموع می‌توان تصور کرد که با کاهش قدرت سیاسی واداری شهرها از یک‌سو و افول اقتصاد کشاورزی (که کانون آن ریح‌ها بود) از سوی دیگر، در این زمان ریح‌های وسیع دوران پیشامغول در حال متلاشی شدن بودند و ساختار شهر در این دوره در حال گذار از ساختار سه لایه دوران اسلامی (مبتنی بر کهندژ و شهرستان و ریح) به ساختاری جدید بود. نمود این مسئله در دگرگونی معنای ریح و کمرنگ شدن تفکیک آن با شهرستان در ربع رشیدی قابل مشاهده است.

نقش و جایگاه شهرهای دوره ایلخانی

شبکه‌های سلسله‌مراتبی که متشکل از شهرهای بزرگ شامل



شکل ۵. نقش شهرک‌های اقماری تبریز در تسهیل خدمات به آن



شکل ۶. ساختار شماتیک یک نوشهر بر اساس متون دوره ایلخانی

از این محلات نوساز و توسعه‌های حکومتی در نزدیکی دروازه‌های جدید شهر بودند که برای ورود تجار و تخلیه بار آنها و اقامتشان تعبیه شده بود. ساخت‌وسازهای امرا و وزراء در اطراف شهرها در این دوره، به‌ویژه در تبریز نیز به چشم می‌خورد، شهرک‌های اقماری-از قبیل مجموعه‌های بزرگی چون صاحب آباد و علیشاه گیلانی- در اطراف و هم درون و کنار بافت قدیم تبریز ساخته می‌شوند. (شکل ۷).

حول آن بوده‌اند (اصفهانیان و خزائلی، ۱۳۸۲). در ادامه، رعایا و شهروندان ساده هستند که به اختیار یا اجبار در اطراف این هسته استقرار می‌یابند؛ الگوی کامل این فرآیند در بازسازی شهر خبوشان (جونی، ۱۳۸۷، ۷۱۸) و ساخت ربع رشیدی (همدانی، ۱۳۵۶) به چشم می‌خورد. لایه دیگر باغ‌های اطراف شهر هستند. رشیدیه شامل باغ‌هایی بود که حول شهرستان قرار داشتند (همدانی، ۱۳۵۶، ۱۹۲). درون این باغ‌ها ۵ قریه نوساز نیز وجود داشته است (همدانی، ۱۳۲۴، ۵۳) (شکل ۶).

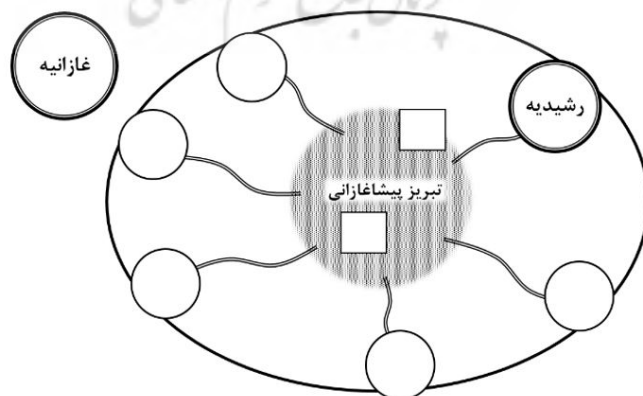
بمٹ و تملیل تمولات مفهوم و سافتار شهر در ایران

عصر ایلخانی

تأثیر عامل هجوم و تخریب بر مفهوم شهر

چند سده حاکمیت و اداره شهر بر پهنه‌های زیستی اطرافش و حضور مفهوم «شهر قدرت» (حبیبی، ۱۳۹۳) به‌خصوص در دوران سلاجقه،

توسعه تبریز به‌عنوان پایتخت ایلخانان می‌تواند الگوی شهرسازی مدنظر ایلخانان را برای ما تا حدود زیادی روشن سازد. ساخت باروی تبریز (که نیمه‌تمام ماند)، باغات و محلات نوساز پراکنده ساختار فضایی تبریز را از شهری متمرکز به شهری باز تبدیل کرد. بخشی



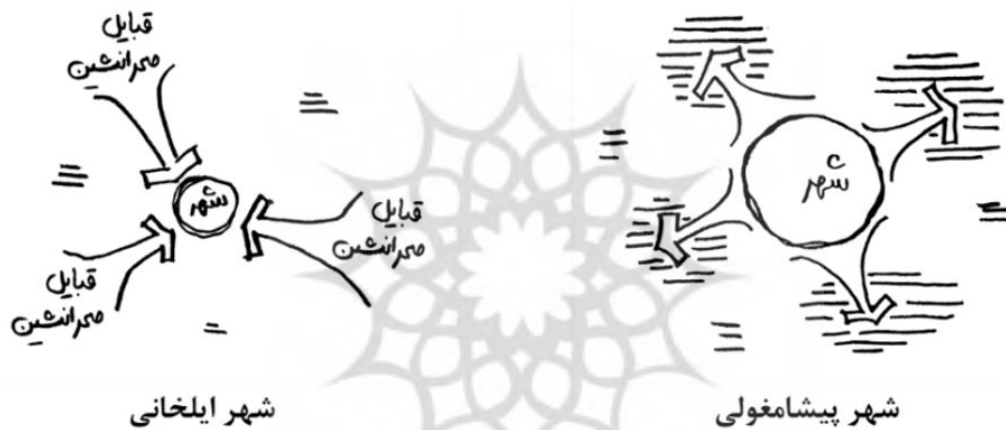
شکل ۷. صورت شماتیک توسعه تبریز در عهد غازان خان

بعضی موارد حتی تا چند فرسنگ بیرون از شهر نیز وسعت داشت، اینک توان حضور چنان گسترده‌ای ندارد و عملاً پهنه‌های شهری وسیع، جایشان را به عرصه‌های تهی از زندگی در ربض و شهرهای فشرده‌تر و تدافعی‌تر می‌دهد. این اوضاع، «ربض» به مفهوم پیشین را بی‌معنا می‌سازد اما با این‌همه واژهٔ ربض تا مدتی هنوز در ادبیات شهری حضور دارد، گرچه با معانی و مفاهیم نسبتاً متفاوت.

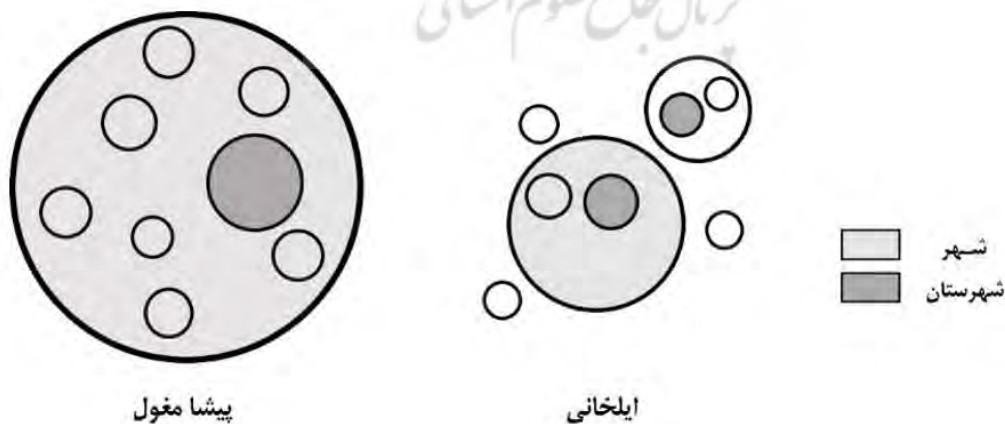
تأثیر اصلاحات غازان

با به قدرت رسیدن غازان و وزارت خواجه رشیدالدین، یکرشته اصلاحات اداری، اقتصادی صورت پذیرفت. این اصلاحات باعث بهبود

تشدید شد و به‌حدی رسید که فئودال‌ها و مالکین روستاها، به‌جای قلعه‌های متعلق به خود در روستاهایشان، در شهرها ساکن شدند (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ۳۶). در هجوم مغول درهم شکست و شهری که تا پیش از ایلخانان متشکل از سه رکن «کهندژ»، «شهرستان»، «ربض» و در مقام حاکمیت اطرافش بود، درهم‌ریخته، اینک در مقام دفاع از خود در برابر غارت صحرانوردان به سر می‌برد. این شهر بسیار کوچک‌تر و ضعیف‌تر و کم‌جمعیت‌تر از آن است که بتواند بر پهنه‌های روستایی فقیر و پراکنده باقیمانده اعمال حاکمیت کند و همین امر باعث شد که بخش بزرگی از اراضی کشاورزی بایر شوند. ربض که پهنه‌ای وسیع شامل محلات و باغات و قریه‌ها می‌شد و در



شکل ۸. مقایسه رابطه شهر با محیط اطراف در قبل و بعد از حمله مغول



شکل ۹. قیاس ساختار شهر دوره پیشامغولی و ایلخانی

بود را بی‌معنا ساخت.

شهر دوره ایلخانی نه‌تنها از مقام اعمال قدرت بر نواحی اطرافش ساقط‌شده بود، بلکه اینک در برابر تهاجم صحرانوردان حاکم در وضعیت تدافعی نیز قرار داشت. این اتفاق موجب عقب‌نشینی شهرها از بخش‌های بزرگی از ربض‌هایشان شد. اینک اعمال قدرت نه از شهر که از اردوی ایلخان صورت می‌پذیرفت. دلیل دیگر کاهش وسعت ربض، افول اقتصاد متکی بر کشاورزی بود. کاهش وسعت ربض، باعث تغییر مفهوم آن شد و گاهی به محله‌ای از محلات شهر اطلاق گردید. اکثر شهرها از مجمع‌الجزایر زیستی به زیستگاه‌های تک‌هسته‌ای بدل شدند.

پس از اصلاحات غازان، فرصتی برای رشد بعضی شهرهای تجاری یا حاکم‌نشین همچون تبریز فراهم آمد و دولت ایلخانی با «شهرک‌سازی» در اطراف این شهرها، به رشد آنها کمک کرد، ولی به خاطر ضعف بنیة شهری در قیاس با دوران پیشامغولی، شهر نمی‌تواند همچون پیش‌از این ساختاری متمرکز و متشکل به خود بگیرد و لذا این محلات جدید عملاً شهرک‌هایی نیمه‌مستقل شدند که شهرستان «ربض» و حتی مسجد جامع مخصوص خود را داشتند. از سوی دیگر درحالی‌که کشاورزی و به تبعش ربض گسترده شهرهای سابق به محاق می‌رفت، به دلیل حمایت حکام مغول از تجارت، در برخی موارد این شهرستان‌های نوظهور نقش پشتیبانی تجاری یا تأسیساتی شهر اصلی را نیز بر عهده می‌گرفتند. این منجر به شکل‌گیری نظام شهری متفاوتی شد که دیگر مبتنی بر یک شهرستان و ربضی به دور آن نبود. شهر حاکم‌نشین مثل تبریز بدل به شهری چندهسته‌ای با تعدادی شهرستان متفاوت شد، درحالی‌که هر یک از این شهرستان‌ها می‌توانست ربض بخصوص خود را با معنی متفاوتی که ذکر شد داشته باشد.

بیگانگی مغولان با مقوله شهر از یک سو و سنت چادرنشینی‌شان از سوی دیگر، باعث شد که حتی وقتی نظرشان به مقوله شهر جلب گردید، شهرسازی به شیوه‌ای متفاوت از پیش پی گرفته شود. تبار این نوشهرها و محلات جدید، به ساخت‌وسازهای دوران هلاکو و ارغون‌خان می‌رسد و از الگویی کمابیش مشابه پیروی می‌کنند: هستة مرکزی (تأسیسات ساخته‌شده به درخواست ایلخان یا وزیر)، خانه‌های بزرگان و قدرتمندان، مسکن رعایا و شهروندان و در لایة آخر باغ‌ها و قریه‌ها (شکل ۶). این الگو بعد از اصلاحات غازانی و بازتولید شهر، مفهوم و ساختار شهر ایرانی را دچار تحولاتی می‌کند. در این دوره شاهد تحول مفاهیم «شهر»، «شهرستان» و «ربض» هستیم. ساخت نوشهرها و شهرک‌های اقماری همچون رشیدیه، غزانیه و سلطانیه، ساختار جدیدی از شهرها را نشان می‌دهد که بعضاً لایه‌لایه و چندهسته‌ای هستند.

شرایط کشاورزان و پیشه‌وران شد و رغبت جامعه به تولید و ساخت‌وساز را افزایش داده باعث نظام یافتن امور مالی مغولان و بهبود اوضاع خزانه ایلخانان شد. دولت ایلخانی برای بازسازی شهرهای آسیب‌دیده و اراضی بایر کشاورزی، وارد عمل شده و دست به ساخت‌وسازهای نظام‌یافته‌ای در برخی شهرها به‌خصوص در اطراف پایتخت (تبریز) زد. اقدامات در تبریز نه به شکل یک شهر کهن ایرانی با ساختار سه‌بخشی که با ساختاری جدید انجام شد. جایگاه ربض، شهرستان و دژ مهم‌تر از گذشته است، حصاری به دور شهر وجود دارد، ولی درون شهر نیز حصارهای دیگری به دور بعضی محلات و شهرک‌ها وجود دارد که لزوماً مقر حکمران نیستند. برخی محلات جدید شهر (ربع رشیدی)، خود شامل ربض، شهرستان و باغات خود است. این نشان‌دهنده حضور چند هستة متفاوت و نیمه‌مستقل درون یک شهر بزرگ دوره ایلخانی است. با فروپاشی دولت دیوانی و نیاز به امنیت بیشتر، دیگر شاهد شهری وسیع با مجمع‌الجزایر زیستی پراکنده نیستیم. به خاطر ضعف بنیة شهری این دوره در قیاس با عصر پیشامغولی، شهر نمی‌تواند با ساختاری متمرکز، حاکمیت خود را بر پهنه‌های اقماری خود اعمال کند و به همین خاطر برخی محلات همچون ربع رشیدی، ساختار شهری خود را درون شهر دارند. به موازات افول ربض‌های گسترده دوران قبل، در شهرهای تجاری یا حاکم‌نشین، شاهد تعدد هسته‌های شهری به اسم «شهرستان» هستیم، همچون ربع رشیدی و غزانیه در تبریز. می‌توان احتمال داد که در دیگر شهرها که پایتخت نبودند با همین اندازه گسترش نیز مواجه نباشیم.

نتیجه‌گیری

شهر ایرانی به مدت چندین سده به‌عنوان تختگاه و کانون قدرت به‌حساب می‌آمد؛ و برخلاف شهر اروپای قرون وسطی که در نظامی مستقل از پهنه‌های روستایی و مستقل اداره می‌شد در وحدت با قدرت به‌سرعت می‌برد. این شهر نه به‌تنهایی، بلکه درون یک سازمان شهری در مقیاس سرزمین‌های وسیع معنا می‌شد. ساختار این شهر طی قرن‌ها متشکل از سه بخش اصلی (ربض، شهرستان و کهندژ) بوده است که در دوران پیشامغول اهمیت ربض بسیار فزونی یافت و شهرها را به مجمع‌الجزایری وسیع از زیستگاه‌های پراکنده تبدیل ساخت (شکل ۱). هجوم مغولان، بخش بزرگی از شهرهای ایران را دستخوش تخریب‌های گسترده نمود، اراضی کشاورزی و روستاها را ویران و متروک ساخت و موجب کاهش شدید جمعیت شد. سیاست‌های مالیاتی ایلخانان در کنار شیوه کوچ‌نشینی و دام‌پروری آنها تولید کشاورزی و صنعتی را به محاق برد. همین امر نظام شهری پیشامغول را که مبتنی بر تمرکز قدرت در شهر و اداره نواحی اطراف توسط آن

پی‌نوشت‌ها

۱۴. بسیاری از منابع معاصر به اشتباه این واژه را «ستوریق» نوشته‌اند که البته منبع همگی آنها نزهت‌القلوب مستوفی است و با توجه به بقیه منابع فارسی دوره ایلخانی قطعاً ناشی از نوشتار اشتباه «سقولوق» به دست کاتب آن است (جعفری، ۱۳۵۶).

۱۵. به معنی شکارگاه خاکستری (خان‌مرادی، ۱۳۹۶ به نقل از بویل، ۱۳۸۱).

۱۶. «چَمچَمال» نام دشت آبرفتی در شرق کرمانشاه و حد فاصل کوه بیستون و شهر صحنه است. نام چمچمال را از «چیمچال» مغولی به معنای بریده یا قطع شده دانسته‌اند (خان‌مرادی، ۱۳۹۶ به نقل از بویل، ۱۳۸۱).

۱۷. در تبریز، به زیر شهر در موضعی که شام می‌خوانند، خارج باروی غازانی، غازان‌خان شهرچه برآورده است ... و در بالای شهر وزیر سعید خواجه رشیدالدین طاب ثراه به موضع ولیان کوه داخل باروی غازان شهرچه دیگری ساخته و آن را ربع رشیدی نام کرده و درو عمارات فراوان و عالی برآورده...

۱۸. در گزارش تدفین سلطان محمود غازان خان در ابواب‌البر غازانی نکته‌ای کلیدی نهفته است؛ صاحب مجمع‌الانساب در سال ۷۳۳ ه. ق نوشته است که «او را دفن کردند در شهر تبریز، در گنبدی که از آن عالی‌تر نیست» (آجورلو، ۱۳۹۲، به نقل از شبانکاری، ۱۳۶۳).

فهرست مراجع

۱. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۶۶). *صورة الارض*. (جعفر شعار، مترجم). تهران: امیرکبیر.

۲. ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*. (عبدالمحمد آیتی، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۳. آجورلو، بهرام. (۱۳۹۲). رهیافتی تاریخی به شهرسازی و مجموعه‌های معماری تبریز عهد ایلخانی. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*. ۷، ۲۳-۱.

۴. احمدی‌منش، محمد. (۱۳۹۰). جغرافیای تاریخی و شهری همدان در سده‌های نخستین اسلامی. *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*. ۲۹، ۲۶-۵.

۵. اسماعیلی سنگری، حسین. (۱۳۸۹). جایگاه ربع رشیدی در تاریخ و تمدن ایران. *تاریخ پژوهی*. ۴۲ و ۴۳، ۹۴-۷۹.

۶. اشرف، احمد. (۱۳۵۳). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران - دوره اسلامی. *نامه علوم اجتماعی*. ۴، ۴۹-۷.

۷. اصفهانیان، داود؛ و خزائی، علی‌رضا. (۱۳۸۲). عمران شهری در ایران عصر مغول. *جغرافیا و برنامه‌ریزی*. ۱۲، ۳۴-۹.

۸. اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۷). *تاریخ مغول*. تهران: نگاه.

۹. الله‌یاری، فریدون. (۱۳۸۳). تحلیلی بر بازتاب اصلاحات غازانی در روند بازسازی مراکز شهری ایران. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه*

۱. ساختار شهر به معنی استخوان‌بندی حوزه‌های کلان‌شهری در این دوره همچون «قلعه»، «شهرستان»، «ربض» و نسبت آنها با یکدیگر است

2. Heinz Gaube

3. Ilya Pavlovich Petrushevsky

۴. «تاریخ گزیده» کتابی تاریخی به فارسی از حمدالله مستوفی است که در اوایل قرن هشتم تألیف شده است.

۵. تاریخ و صاف یا «تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار» کتابی تاریخی به زبان فارسی از وصال‌الحضره است. این کتاب در اوایل قرن هشتم هجری در ادامه تاریخ جهانگشای جوینی نوشته شد.

۶. «روضه‌الصفاء فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفاء» کتاب تاریخ عمومی به زبان فارسی است که در قرن ۹ هجری توسط میرخواند نوشته شد.

۷. «شارستان بخارا و ربض آن پر از قصرها، باغ‌ها، سکونتگاه‌های کوچک، و محلات مسکونی بود. خود شارستان خیابانهای سنگفرش داشت. کل شهر محصور در بارویی بود به طول ۱۲ فرسخ در ۱۲ فرسخ. نرخی از این بارو یاد کرده و نام آن را کنپرک آورده است.»

۸. درباره ارقام این کشتارها ابهاماتیست: آیا برآستی شهری با سیستم‌های تاسیساتی آن دوران اصلاً توان حمل این مقدار از جمعیت را داشته‌است؟ مورگان، مورخ انگلیسی سعی داشته به این مساله پردازد و سوای از احتمال غلو در گزارش‌های تاریخی، پناه بردن روستاییان مربوط به شهر در درون حصار را عاملی دیگر در بزرگی این اعداد می‌دانسته (زیباکلام، ۱۳۸۶، ۱۶۹). مباحث مربوط به مفهوم شهر در آن دوران را یادآور می‌شویم و اینکه شهر اساساً به معنی نطقه‌ای وسیع تحت حکم یک حاکم بوده‌است.

۹. اصطلاح طرح مشعر بر فروش اجباری محصول به خزانه‌دار یا حاکم محلی از طرف رعایا به نرخ نازلتر و خرید اجباری اجناس انبارهای دولتی به نرخ بالاتر از نرخ معمولی بوده است (پتروشفسکی، ۱۳۶۶، ۶۵).

۱۰. تمغا مالیاتی بود که مغولان برای اولین بار بر انواع و اقسام تجارت و صنایع شهری متداول کردند و با نرخ ۲.۵ درصد بر جای زکات اسلامی نشسته بود (پتروشفسکی، ۱۳۶۶، ۶۲).

۱۱. برات نوعی نظام پرداخت تعهدات دولتی به سربازان، مأمورین، مستمری‌بگیران و بنسنانکاران دولتی بود، به وسیله اسنادی که خزانه‌داری محلی صادر می‌کرد و وظیفه پرداخت‌ها به آنها را به دهقانان و روستائیان انتقال می‌داد. (پتروشفسکی، ۱۳۶۶، ۱۷)

۱۲. استقراض ایلخان از رشیدالدوله تاجر یهود در تبریز و عدم پرداخت بدهیش، باعث فراری شدن وی گشت.

۱۳. املاک اینجو (یا به عربی «املاک خاصه») املاک خصوصی ایلخان و اعضای خانواده وی بودند (پتروشفسکی، ۱۳۶۶، ۴۲).

- اصفهان. ۳۶ و ۳۷، ۵۲-۳۷.
۱۰. بارتولد، ولادیمیر. (۱۳۵۸). *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*. (حمزه سرداور، مترجم). تهران: توس.
۱۱. بلر، شیلا. (۱۳۸۷). معماری و جامعه در دوره ایلخانان (تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی)، (مهرداد قیومی بیدهندی، مترجم). *گلستان هنر*. ۱۳، ۷۳-۴۸.
۱۲. بویل، ج.آ. (۱۳۸۱). *تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان*. در ج.آ. بویل. *تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)* جلد ۵. (حسن انوشه، مترجم). تهران: امیرکبیر.
۱۳. پطروشفسکی، ایلیا پائولویچ. (۱۳۶۶). *جریان‌های اجتماعی-اقتصادی دوره ایلخانان در یعقوب آژند (گردآورنده)*. *تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوره مغول*. (یعقوب آژند، مترجم) تهران: اطلاعات.
۱۴. پطروشفسکی، ایلیا پائولویچ. (۱۳۵۷). *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، ج ۱. (کریم کشاورز، مترجم). تهران: ابوریحان.
۱۵. تقوی، عابد. (۱۳۸۹). بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهر قدیم گرگان در دوران اسلامی. *مطالعات اجتماعی ایران*. ۱۱، ۲۰-۶.
۱۶. جعفری، قادر. (۱۳۵۶). *تخت سلیمان یا سقورلوق در زمان مغول و بعد از آن*، وحید، ۲۱۴، ۲۱.
۱۷. جوینی، علاءالدین عظاملک. (۱۳۸۷). *تاریخ جهانگشای جوینی*. محمد قزوینی (مصحح). تهران: هرمس.
۱۸. حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۳). *از شار تا شهر*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر (۱۳۸۱). *نزهة القلوب*، محمددبیر سیاقی (مصحح). قزوین: حدیث امروز.
۲۰. خان‌مرادی، مژگان. (۱۳۹۶). نقش و جایگاه اولجایتو در فعالیت‌های شهرسازی دوره ایلخانی، *مطالعات ایرانی*، ۳۲، ۳۶-۱۹.
۲۱. راوندی، مرتضی. (۱۳۵۶). *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۲. تهران: امیرکبیر.
۲۲. راوندی، مرتضی. (۱۳۶۴). *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۵. تهران: امیرکبیر.
۲۳. رجب‌زاده، هاشم. (۱۳۵۵). *آئین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی*. تهران: توس.
۲۴. زیباکلام، صادق. (۱۳۸۶). *ما چگونه ما شدیم*. تهران: روزنه.
۲۵. سعیدنیا، احمد. (۱۳۸۱). *بازآفرینی شهرستان رشیدی*. *هنرهای زیبا*، ۱۱، ۴۰-۲۹.
۲۶. سیفی، سیف بن محمد بن یعقوب هروی (بی‌تا). *تاریخنامه هرات*.
۲۷. شبانکاری، محمد ابن علی ابن محمد. (۱۳۶۳). *مجمع الانساب*. (میرهشام محدث، مصحح). تهران: امیرکبیر.
۲۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۴). *تاریخ الرسل والملوک*
- (بخش ایران از آغاز تا سال ۳۱ هجری). (صادق نشأت، مترجم). تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
۲۹. عدالت، عباس. (۱۳۸۹). *فرضیه فاجعه زدگی: تاثیر پایدار فاجعه مغول در تاریخ سیاسی اجتماعی و علمی ایران*. *بخارا*. ۷۷ و ۷۸، ۲۲۷-۲۶۲.
۳۰. فریور صدی، بهرام. (۱۳۷۸). *بافت و ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران*. در باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. (گردآورنده). *مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ۲۹-۲۵ فروردین. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳۱. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی
۳۲. قائم‌مقامی، سید احمدرضا. (۱۳۹۰). *رض را در فارسی چه می‌گفته‌اند؟ فرهنگ‌نویسی*. (۴)، ۱۳۲-۱۱۴.
۳۳. کریمی، بهمن. (۱۳۲۸). *خرابه‌های ری*. *یغما*. (۱۴)، ۱۵۷-۱۵۴.
۳۴. کریمیان، حسن؛ و مهدی‌زاده، بهزاد. (۱۳۹۳). *نقش وقف در توسعه کالبدی شهرهای ایلخانی؛ نمونه موردی: تبریز، سلطانیه و اوجان*. *وقف میراث جاویدان*. ۸۶، ۵۰-۲۳.
۳۵. کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۰). *شهرهای ایران*، جلد چهارم. تهران: جهاد دانشگاهی.
۳۶. کی‌نژاد، محمدعلی؛ و بلالی اسکویی، آریتا. (۱۳۹۰). *بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی*. تهران: متن.
۳۷. گلوبه، هاینتس. (۱۳۸۶). *ساختار شهر بخارا در سده چهارم به روایت متون عربی و پارسی*. (سید عمادالدین خضایی، مترجم). *گلستان هنر*. ۷، ۹۸-۹۱.
۳۸. لمتون، آن کاترین سوینفورد. (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۹. محمدمرادی، اصغر؛ و جعفرپور ناصر، ساناز. (۱۳۹۲). *بررسی روند توسعه شهری طی شهرسازی ایلخانی با تحلیلی بر توسعه شهری تبریز*. *معماری و شهرسازی ایران*. ۶، ۸۹-۱۰۲.
۴۰. معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۲). *سبک شناسی معماری ایرانی*. *تقریر عبدالکریم پیرنیا*. تهران: غلامحسین معماریان.
۴۱. مهرآفرین، رضا. (۱۳۹۳). *شهرهای ساسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۴۲. نخجوانی، حسین. (۱۳۲۸). *تاریخچه شنب غازان*. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*. ۱۲ و ۱۳، ۹۷-۸۱.
۴۳. وصال‌الحضرة، شهاب‌الدین. (۱۳۴۶). *تحریر تاریخ و صاف*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۴۴. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۶۲). *جامع التواریخ*. به تصحیح بهمن کریمی. تهران: اقبال.

۴۵. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۲۴). *مکاتبات رشیدی*. به تصحیح محمد شفیق. لاهور: سلسله نشریات کلیه پنجاب.
۴۶. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۵۶). *وقف‌نامه ربع رشیدی*. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۴۷. یان، کارل. (۱۳۶۶). انتشار اسکناس در دوره ایلخانان. در یعقوب آژند (گردآورنده). *تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوره مغول*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: اطلاعات.
۴۸. یوسفی‌فر، شهرام. (۱۳۸۴). تأملاتی در مقوله شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه تاریخ ایران. *فرهنگ*. ۵۶. ۲۶۱-۲۱۷.
۴۹. یوسفی‌فر، شهرام. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌ها و مولفه‌های تاریخی مفهوم شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران. *فرهنگ*. ۶۰. ۳۰۴-۲۶۳.



Impact of Mongols Invasion on the Concept and Structure of the Iranian City during Ilkhans Rule

*Mohammad Hassan Khademzade**, Assistant Professor, School of Architecture, University College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Shahaboddin Tasdiqi, Ph.D. Candidate in Architecture, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Abstract

The Mongol invasion of Iran occurred at a time when Iranian City was considered as the capital and center of power for several centuries. During the Pre-Mongolian system, the Iranian city was united with power, and defined not by itself but within an urban organization on the scale of vast territories. The Mongol invasion massively destroyed great parts of the Iranian cities, particularly in northwestern parts of Iran, this together with the reduction of the population helped the farmlands and villages to be destroyed and deserted. The taxation policies of the Ilkhans, coupled with their nomadic way of living and cattle, breeding waned the agricultural products resulting in the serious fall of the number of cultivated villages and leaving behind many acres of uncultivated lands. This rendered meaningless the pre-Mongolian urban system, which was based on the concentration of power in the city and administration of the suburbs from there. The present research is aimed at surveying the development of the concept and stand of the Iranian city and the subdivisions thereof (such as suburb and township) during this era and after a period of relatively powerful urbanism (of the Seljuki and Kharazmshahi rules); therefore, responding to the questions as to what impacts the decline of urbanism at the beginning of the Ilkhans dynasty and its rebirth at the middle and toward the end of this period had on the concept of a city in Iran; and how the structure of the Iranian city which consisted of the castle, township, and suburb changed with the occurrences of this era as compared with the preceding era, become very important. To achieve this aim and to answer the above questions through a collection of written documents and library studies at first the historical texts remained from those eras as well as analyses of the contemporary historians were reviewed through a historical interpretative method, and situation of Iran and the factors affecting the physical, economic, administrative and social aspects of the Mongol rule were analyzed. Then by using the logical deduction method, samples of urban development of the Ilkhan era were examined, and urban features of this period and its differences with the pre-Mongolian era were carefully examined. Due to the turbulences of the Mongols rule and their nomadic way of living, many cities and habitable areas around them were physically destroyed and the economic decline arising from the policies of the Ilkhan rulers gave the destructions further vastness and depth. These incidents changed the previous internal-external urban relations. Mongols alienation with the issue of the city on one hand and their nomadic tradition on the other caused them to follow up urban development through a different method even when their attention was drawn to the issue of the city. We observe development in the concepts of city, township, and suburb in this period. Construction of new cities and suburban townships such as Rashidiyeh, Kazaniyeh, and Soltaniyeh, shows a new structure of the cities that are partly stratified with several cores.

Keywords: Mongol invasion, City structure, Ilkhan era, Concept of city, Pre-Mongolian, City.

* Corresponding Author Email: Khademzade@ut.ac.ir